

پای صحبت فاطمه سادات میرعالی، نویسنده کتاب پرمخاطب «حوض خون»

از هم محله‌ای خودمان شروع کنیم!



شد که موسسه فرهنگی - هنری شهید جواد زیوداری که راه افتاد و امثالهم. خودم هم روی بحث موقعیتی که زنان در جنگ داشتند و آنجا چه کارهایی انجام می‌دادند زوم کردم.

از هم محله‌ای خودمان شروع کنیم

نویسنده کتاب «حوض خون» گفت:

من اهل مطالعه بودم، بیشتر هم کتاب‌های ادبیات داستانی و پایداری هم می‌خواندم. کتابی از زندگی یک شهید که به مادر یا همسر شهید اشاره کرده بودند، آن خانم برایم جالب بود. نقش کاربردی و کلیدی داشته است. متوجه می‌شدم شهرهای دیگر، زنان دیگری بودند که نقش داشتند و کتاب‌هایشان منتشر شده است. ما هم در شهرمان زنان اثرگذار داریم و برای این‌که بخواهیم هویت فرهنگی - اجتماعی خودمان را بشناسیم، باید از بوم و محیط خودمان، از متنوع و هم محله‌ای خودمان شروع کنیم. تادراپهرمان‌های شهر خودمان و بعد کشور را بشناسیم. این مطالعه خاطرات زنان در جنگ، این‌گونه روی من اثر داشت.

ابتدای راه هستم

فاطمه سادات میرعالی درباره بازخوردهای مخاطبان پس از انتشار «حوض خون» گفت: من به نسبت کارهایی که زنان ما در زمان جنگ، قبل و بعد از آن و تا زمان حال انجام داده‌اند، ابتدای راه هستم. آنها نقش کاربردی و کلیدی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه دارند، اما من ابتدای راه هستم. اما در همین ابتدای راه، خدا را شکر می‌کنم؛ چون کاری که آن بانوان انجام داده بودند، کار به ظاهر ساده و گمنام اما بی‌نظیر بود. همین کاری که سروکارشان با تکه پیکرها و لباس‌های خونین بود که در نظر اول، شاید هرکسی می‌گفت آنها غیرقابل استفاده هستند، ولی وقتی می‌دیدند مجروحان و بیمارستان‌ها لنگ همین لباس‌ها و ملحفه‌ها هستند و شهر جنگی و موقعیت هم به گونه‌ای بود که هر لحظه پرواز صورت بگیرد و ملحفه برای شان فرستاده شود یا قطار و وسیله‌ای بیاید، آن زن‌ها به چنین کاری دست

فاطمه سادات میرعالی نویسنده کتاب «حوض خون» گفت: چیزی که باعث شد من این خاطرات را ثبت کنم، این بود که من در بسیج دانشجویی و دیدار با خانواده شهدا که می‌رفتیم، بیشتر دوست داشتم بفهمم پدر و مادر این شهید، چه کسانی بودند که باعث شدند این فرد این‌گونه تربیت شود. وقتی با دوستان پای صحبت مادران شهید می‌نشستم، به خصوص خانواده‌هایی که در شهر جنگی و جنگ‌زده و مدام زیر بمباران و موشکباران بودند، زندگی و موقعیت این خانم‌ها در جنگ، برایم مهم‌تر بود. البته خط مقدم جنگ نیز مهم است. من می‌خواستم بدانم آیا زنان، آدم‌های بی‌تفاوتی بودند یا اثرگذار، اثر منفی داشتند یا مثبت؟ برنامه‌ای نیز در دانشگاه داشتیم درباره سبک زندگی و شیوه صحیح سبک زندگی ایرانی - اسلامی و کارگروه‌های مطالعات خانواده و مطالعات فرهنگی و از این قبیل مسائل، دلیلی شد که خلا این محتوا را حس کنم. وقتی با دوستان نشست می‌گفتم و جمع می‌شدیم، محتوای غنی‌ای نداشتیم؛ این‌که زنان ماکه بودند و چه کرده‌اند. ماقهرمانی که دم دست ما باشد، در آن محیط خودمان نداشتیم. از طرفی می‌دیدم افرادی بودند و کار کردند و در زمان جنگ زحمت کشیدند.

خودشان پایه‌ای مردان پشتیبان بودند اما دیده نشده و گفته نشده بودند. این دلیلی



برای نمایشگاه ۳۴

زدند تالیاها و ملحفه‌ها به چرخه استفاده برگردد. این نشان می‌دهد آن خانم‌ها مصرف‌گرا نبودند، نه تنها آنها، بلکه آن جامعه، مصرف‌گرا نبوده است، از کوچک‌ترین وسیله‌ای استفاده می‌کردند تا آن تحریم و کمبود را رفع کنند. همین نیز باعث می‌شد در موقعیتی که کشور دچار مشکلات و کمبودها و حتی تحریم‌هایی شده بود، من می‌دیدم جوان‌ها و دانشجویانی که آن خاطرات را می‌خواندند و آن رختشورخانه را می‌دیدند، به شدت برای شان جالب بود و خودشان می‌گفتند این برای ما الگوست.

ارزش و اهمیت کار زنان در جنگ دیده شود

وی در ادامه گفت: بهترین بازخورد خاطرات این زنان این بود که ارزش و اهمیت کار زنان در جنگ دیده شود و نتیجه آن هم همین یادمان حوض خون، بیمارستان شهیدکلانتری است که یکی از بازخوردهای چاپ این خاطرات بانوان بود. یعنی بانوان خاطرات‌شان را بیان کردند و این باعث شد یکی از گنجینه‌های دفاع مقدس که سال‌های سال و از اوایل دهه ۷۰ کاملاً متروکه شده بود، یکی از آثار غنی دفاع مقدس، با بیان خاطرات بانوان احیا شود. افرادی که می‌آمدند، دانشجویانی که راهیان نور می‌آمدند، می‌گفتند ما را همیشه به مناطق عملیاتی می‌بردند و از دستاوردهای رزمندگان می‌گفتند و ما می‌گفتم چرا ما مرد نیستیم تا شهید بشویم، اما در زمان حال که زنان را به یادمان حوض خون می‌آورند و از همت و تلاش بانوان برای ما می‌گویند، افتخار می‌کنیم و به زن بودن خودمان می‌بالیم و می‌توانیم در همین جایگاه و جنسیتی که داریم کار بزرگ انجام دهیم.

محدودیت‌ها در مسیر نوشتن خاطرات زنان

میرعالی درخصوص محدودیت‌های موجود در مسیر نوشتن خاطرات زنان گفت: من آنچه تجربه خودم بود و خانم‌هایی که مصاحبه کردم، به خصوص در مناطقی که افراد می‌گفتند ما خلاصا برای خدا آمدیم و نه برگه مأموریتی داشتیم و نه حکم و سابقه‌ای، اینها کارشان را انجام دادند. یک محدودیت، همین درگیری به خود است، آنها دوست ندارند کاری را که برای خدا انجام دادند، بگویند و اگر بگویند ریا می‌شود. که به نظرم یک محدودیت جدی است.

بهترین بازخورد

خاطرات این زنان

این بود که ارزش

و اهمیت کار زنان

در جنگ دیده

شود و نتیجه

آن هم همین

یادمان حوض

خون، بیمارستان

شهیدکلانتری

است که یکی

از بازخوردهای

چاپ این خاطرات

بانوان بود

کتاب‌های جدید در مسیر نمایشگاه

فادی

یک‌رمان علمی-تخیلی با محوریت زندگی یک شخصیت خیالی به نام متیو است. داستان کتاب در سال ۲۰۳۹ می‌گذرد. متیو یک نوجوان ۱۵ ساله است که توسط یک گروه مرموز ربوده می‌شود و به آبادان می‌رود. او در



دیما

یک رمان عاشقانه و خانوادگی با محوریت همسران مدافعین حرم است. داستان از ازدواج دیما و عابس آغاز می‌شود و پس از مرور زندگی آنها در چند فصل اول کتاب، در نیمه‌های کتاب به جنگ سوریه می‌رسیم. عابس که یک پاسدار است، در جنگ سوریه حضور پیدا می‌کند. پس از مدتی عابس به شهادت می‌رسد و در نیمه دوم کتاب، با روایت زندگی دیما و فرزندانش مواجه می‌شویم. دغدغه رمان دیما، نشان دادن دغدغه‌ها و مشکلات زندگی همسران شهدای مدافع حرم است. دیما در ایام نمایشگاه کتاب امسال توسط انتشارات کتابستان معرفت رونمایی می‌شود.

کتاب امسال، توسط انتشارات کتابستان معرفت رونمایی می‌شود.

قدم‌های سر به هوا

این کتاب یک مجموعه به نام داستان‌های آیه است. قدم‌های سر به هوا ماجرای چهار دوست صمیمی با محوریت دختری به نام آیه است. این شخصیت‌ها درس‌خوان و شورور هستند که آیه به تازگی با آنها صمیمی شده است. آیه قصد دارد در المپیاد شرکت کند و رتبه برتر را کسب کند.

آیه و دوستانش در مدرسه یک دردرس بزرگ درست می‌کنند که برای حل و فصل مشکلات به وجود آمده، مشغول چاره‌اندیشی می‌شوند. باگذشت زمان، داستان کتاب به صورت غیرمستقیم با اربعین گره می‌خورد. قدم‌های سر به هوا در ایام نمایشگاه کتاب امسال توسط انتشارات کتابستان معرفت رونمایی خواهد شد.

هاشم نصیری

نویسنده

